



## نگذاریم بار دیگر حرف امامان زمین بماند

ضرورت **مطالبه گری انقلابیون** برای تحقق شروط رهبری در برجام

هسته‌ای پرونده‌ی رهبری است. «برجام را رها کنید و به پسابرجام برسید.» و البته رهبری با تشکر از «منتقدانی که با ریزبینی قابل تحسین، نقاط ضعف آن را به همه‌ی ما یادآور شدند» آب پاکی را روی دست کسانی که منتقدین را با برچسب‌های تندرو و افراطی یا غیرحزب‌اللهی و ... می‌کوبیدند ریختند اما باز هم تجربه نشان داده است که این گروه همین روند خود را ادامه می‌دهند و همچنان منتقدان را با عناوین گوناگون می‌کوبند.

این تکلیف‌ها بر روی دوش دولت و شورای عالی امنیت ملی گذاشته شده است. اما این دولت در عرصه‌های مختلف نشان داده است که شروط رهبری را حتی بر روی کاغذ هم نمی‌تواند به تصویب برساند، چه رسد که در مرحله‌ی اجرا بخواهد آن‌ها را اجرا نماید. تا جایی که حتی وزیر امور خارجه‌ی امریکا هم گفته بود که همان طور که تا به حال دیده‌اید، تفسیر ما (آمریکایی‌ها) از برجام محقق شده است و می‌شود.

«برجام تأیید شد...» «مهر تأیید رهبری پای برجام...» «تأیید مشروط برجام...» «پادزهر» و ... این‌ها تیتراهای روزنامه‌ها و سایت‌های مختلف، پس از انتشار خبر صدور نامه مقام معظم رهبری مبنی بر تأیید مشروط برجام است. طبق معمول هرکسی آن جزء یا بُعد از سخنان ایشان را برجسته کرد که خودش می‌خواست.

اما متن نامه ایشان به طور کامل موجود است و هر کس می‌تواند و باید با مطالعه متن کامل به حقیقت ماجرا پی ببرد. آن چه مسلم است این است که رهبر معظم انقلاب اسلامی برجام را مشروط به رعایت نکات متعددی تأیید کردند. نه این که با رعایت این شروط به یک توافقنامه‌ی خوب برسیم، بلکه با رعایت نکردن آن‌ها توافق به یک توافق بد و دوزیان‌بار تبدیل می‌شود و حتی نمره قبولی را هم نمی‌گیرد.

**آن چه مسلم است این است که رهبر معظم انقلاب اسلامی برجام را مشروط به رعایت نکات متعددی تأیید کردند. نه این که با رعایت این شروط به یک توافقنامه‌ی خوب برسیم، بلکه با رعایت نکردن آن‌ها توافق به یک توافق بد و دوزیان‌بار تبدیل می‌شود.**

بنابراین شایسته نیست که بگوییم دیگر رهبری برجام را تأیید کردند و کار تمام شده است. برویم به پسابرجام برسیم. البته عده‌ای همیشه این چماق را در سر منتقدین می‌کوفتند که «شما دارید جلوتر از رهبری حرکت می‌کنید.» «رهبری خودش نظارت دارد.» «پرونده

ایشان ضمن تشکر از تلاش‌های مسئولین و منتقدین، به صراحت گفتند که: «محصل مذاکرات که در قالب برجام شکل گرفته است، دچار نقاط ابهام و ضعف‌های ساختاری و موارد متعددی است که در صورت فقدان مراقبت دقیق و لحظه‌به‌لحظه، می‌تواند به خسارت‌های بزرگی برای حال و آینده‌ی کشور منتهی شود.»

روزنگار هیئت میثاق با شهدا | شب دهم  
بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام  
شماره ۵۹ | نهم محرم ۱۴۲۷

### امشب شهادتنامه عشاق امضا می‌شود

«و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا، بل احياء عند ربهم يرزقون». شهادت هنر مردان خداست و بالاترین و بهترین مرتبه‌ای است که مردان حق به آن دست پیدا می‌کنند. اما تنها آنانی به این لیاقت دست می‌یابند که پای دل را از تمام تعلقات بریده باشند و امام زمان عویش را با تمام وجود یآوری کنند و گرنه ضحاک‌بن عبدالله مشرقی شب‌عاشورا بعد از آن که امام بیعت خود را از تمام اصحاب خود برداشت، نرفت اما عصر عاشورا هنگامی که دید تنها خاندان آن حضرت باقی مانده‌اند و اصحاب همگی شهید شده‌اند، از امام اجازه گرفت که عرصه کربلا را ترک کند. آری ضحاک نصرت و یاری خود به امام را مشروط نموده بود؛ تنها تا وقتی یاری‌ات می‌کنم که سپاه و یآوری داشته باشی. از سرنوشت ضحاک‌بن عبدالله مشرقی چیزی نمی‌دانم. اما بدبخت‌ترین آدمی است که در تاریخ می‌شناسم که سعادت شهادت در رکاب امام حسین علیه‌السلام را از دست داد. امروز به حال خود بنگریم و ببینیم یاری و نصرت ما نسبت به نائب امام زمانمان چگونه است؟ تا هنگامی که قرار است با منافع شخصیمان تعارض نداشته‌باشد؟ تا هنگامی که قرار است سختی و مشقتی متحمل نشویم؟ تا هنگامی که با رفاه‌طلبی و راحت‌طلبی‌هایمان در تضاد نباشد؟ ظاهر امر ما مانند بنی‌اسرائیل است که به موسی علیه‌السلام گفتند: «قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَن نَدْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبِّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ» و اگر ما مصداق این آیه باشیم باید یقین دانست که اینگونه شهید نمی‌توان شد و اتفاقا باید از خودمان بترسیم که به سرنوشت «ضحاک‌بن عبدالله مشرقی» دچار نگردیم.

# ولایت گریزی

برخی از مسئولین، در حرف زدن تابع‌اند، ولی موقع عمل که می‌شود، مخالف هستند؛ حتی در نامه‌زدن‌ها و بیانیه‌دادن‌های شخصی یا گروهی، نام بلند «ولی فقیه» را به صورت «بزرگ» می‌نویسند، ولی متأسفانه در ورای نامه، کینه و کدورت و مخالف دیده می‌شود. گاهی ولایت را در نفس خود می‌بینند و دیگرانی را که تابع ولایت فقیه هستند را محکوم به تعصب و تحجر می‌کنند و باورش‌ان این است که باید با زمانه و رأی و نظر مردم همراه شد! غافل از آن که مردمی که در ایران و یا ایرانیانی که در خارج مقیم هستند، اکثراً دلبسته‌ی به نظام «جمهوری اسلامی» و «ولایت فقیه» می‌باشند. بهبوده «خواست غیرحقیقی مردم» را در نطق‌های روشنفکرمانبانه در تجمعات مختلف به میان می‌کشند و اگر خاطره‌ای هم نقل می‌کنند، من باب این است که بخواهند نقش خود را در زمان گذشته برجسته نشان دهند.

ولایت‌گریزی مسئولان به این معنا نیست که نشانه‌های کم‌رنگ بودن حضورشان در بین مردم هویدا

باشد، بلکه بدتر از آن است؛ این که شما در مجامع مختلف حضور داشته باشی و آن‌جا که کلام رهبری را مورد وفاق خود بدانی و برای مردم هم بیان کنی؛ هنرنیست. ولایت را فدای آرمان‌های مادی و گذرای شخصی خود می‌کنند. اگر آن زمان بیت‌المال را زیاد از حد خرج می‌کردند و با توپ و تشرهای امام معصوم مواجه می‌شدند و در سرجای خودشان می‌نشستند، حال با هزار توجیه غیرقابل قبول و غیرعقلانه‌ای، درصد رفاهت مردم برمی‌آیند!

ولایت‌گریزی این است که از «توافق نه‌چندان مطلوب انقلاب اسلامی» ذوق‌زده شویم و حرف ولی فقیه را که خود و همچنین پیرجماران، بارها و بارها بر دشمن درجه‌ی یک بودن آمریکا تصریح داشته‌اند را بی‌توجه انگاریم و اتفاقات دور و بر خودمان را با چشم و گوش بسته، به برد-برد تلقی کنیم.

نکاتی به صورت موردی بیان می‌شود. امید است که بتوان شرح بیشتری در این موارد بدهیم:

۱. در صورتی که «ولایت فقیه» را در بُعد داخلی کنار بگذارند، دست به دامان برخی فقیهانی می‌شوند که اولاً؛ با نظام هیچ سختی ندارند -گرچه در اوایل انقلاب، درصاف مقدم مبارزه هم مشغول بوده‌اند- ثانیاً؛ با تکیه بر سوادشان، یاران رهبری را خالی‌الذهن خوانده و قصد تخریب فتاوی فقهی و سیاسی (حکم حکومتی) رهبری را دارند و احياناً پا را فراتر از این گذاشته و با نظرات شاذ خود، برخی احکام اساسی و متقن دین اسلام را نشانه می‌گیرند و مریدانی بی‌سواد را دور خود جمع می‌کنند. «غافل از آنکه؛ اگر یک لحظه در ذهن خود، «ایران بدون

**ولایت‌گریزی این است که از «توافق نه‌چندان مطلوب انقلاب اسلامی» ذوق‌زده شویم و حرف ولی فقیه را که خود و همچنین پیرجماران، بارها و بارها بر دشمن درجه‌ی یک بودن آمریکا تصریح داشته‌اند را بی‌توجه انگاریم**

ولایت فقیه» را تصور کنیم، با این طرز تفکر مختلف مسئولان، سنگی روی سنگ نمی‌ایستد و هرکسی به هر طرفی که می‌خواهد، می‌رود!

۲. اگر رهبری را در بُعد بین‌المللی کنار بگذارند، دست به دامان وعید غربی‌ها و کشورهای عاشق منابع زمینی و زیرزمینی‌ای را نمی‌شوند و هزاران البته که با رویکرد «کدخداهم‌جوری»، مریدان خوبی هم برای دشمنان خواهند بود. درست همان برنامه‌ای که تمامی رئیس‌جمهورهای منحوس آمریکا و همچنین رژیم کودک‌کش و سگ نجس منطقه آن را دنبال می‌کنند.

فرض کنید؛ مسئولی که با تکیه بر «رأی مردم» و نیز با توجه به «مشروعیت نظام» به جایگاهی می‌رسد، چه موقع جلوی شخص اول مملکت می‌ایستد و اظهارات ناسنجیده‌ای بر زبان می‌آورد؟! تا به حال هر کدام از مسئولین و اشخاص مهم در نظام جمهوری اسلامی که در مقابل مقام محترم رهبری قرار گرفتند؛ یا با چهره‌ی زنانه از میهن عزیز مان فرار کردند- چون دیگر در بین مردم جایگاهی نداشتند- یا این که پس از مدتی گوشه‌گیر و خانه‌نشین شدند و یا این که پس از سپری شدن دوران مسئولیت‌شان، قیل و قال‌های متضاد و خارج از منطق را راه‌اندازی نمودند.

این داستان ولایت‌گریزی ادامه داشته و دارد...



## تحریر امام (۹)

«ملت عزیز ایران، شما شرق تجاوزگر و غرب جنایتکار را به وحشت انداخته، هیچ گاه با هیچ قدرتی سازش نکنید که یقین دارم نمی‌کنید. و هر کس در هر مقام که خیال سازش با شرق و غرب را داشت بی‌محابا و بدون هیچ ملاحظه او را از صفحه روزگار براندازید، که سازش با شرق و غرب خودباختگی است و خیانت به اسلام و مسلمین است.»

(صحیفه‌ی امام خمینی ره، جلد ۱۲، ص ۱۴۸)

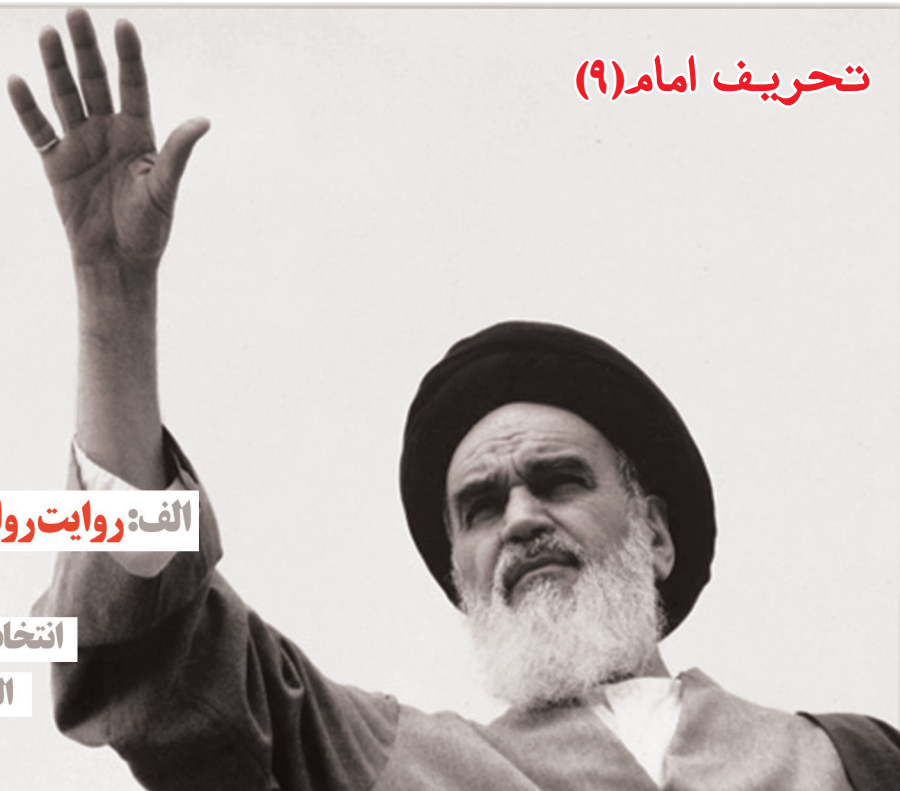


**الف: روایت روانچی از تماس تلفنی روحانی و او باما**

**عصر ایران: قدم‌زدن ظریف و کری**

**انتخاب: نامه روحانی به او باما تحویل داده شد**

**الف: تأیید دست دادن ظریف و او باما**





# شمر زمانهات رابشناس

تَعْرِفِ عَلِيَّ شَمْرِ زَمَانِكَ

RECOGNIZE THE  
SHIMR OF YOUR ERA

## شام آخر

امشب را که بوی عشق می‌دهد و نگاه‌های عاشقانه‌ی امام قلب‌های پرعطشِ حسینیان را سیرابِ محبت می‌کند؛ نامحرمان را مجال ورود نیست که رازهای شبانه‌ی حضرت احدی را بی‌ن و یارانش را تنها جنابِ علامِ القلوب می‌داند و بس! آری شبِ عاشورا را باید فقط سکوت کرد و بارید و بارید و بارید ... همین‌قدر بگویمت که آخرین شبی است که عمو هست و امن هست

و علی هست و حبیب هست و آب نیست و عطش هست ...

تا فردا؛

خدا بزرگ است ...

از شب اول با خودم می‌گفتم فلانی تا شبِ عاشورا صبر کن بعد یکهو تلافی همه‌ی عقده‌ها و روضه‌های مکشوفِ نخوانده‌ات را یکجا سیاهه کن!

امشب اما نه فقط مشکِ علمدار و نه فقط چشمانِ محبانه؛ که دریای واژگان هم بیابان است! و من زیر این بار نگفتم‌ها خواهم مُرد ...

# امشب

## کربلا، فرجام دیپلماسی ابوموسی

فرستادند. سرانجام دیپلماسی ابوموسی چه بود؟ نباید گفت تمام جنگ چرا که جنگ با پیروزی علی در حال اتمام بود؛ بلکه سرانجام دیپلماسی ابوموسی پایان حکومت علی بود و شروع مقدمات وقوع کربلا. بله، کربلا فرجام دیپلماسی ابوموسی بود!

کاملاً طبیعی بود، مردم هوشیار نبودند و هر چه علی فریاد می‌زد مالک و ابن عباس‌ها به مذاکرات بروند، گوششان بدهکار نبود؛ گفتند مالک جنگ طلب است و جنگ دیگری بر ما تحمیل می‌کند و ابن عباس هم خاندان توست و نظرات تو را پیاده می‌کند؛ پس باید کربلا اتفاق می‌افتاد.

آری، مردمی که گوش به فرمان رهبری مسلمین ناسپارند و هشیار نباشند و از ترس جنگ با دشمن راحت طلب شوند؛ همانا در صحنه‌ی کربلا نقش قاتل حسین را بازی خواهند کرد. آری، در تاریخ همواره اینگونه بوده است؛ فرجام دیپلماسی ابوموسی‌ها؛ کربلاست.

می‌فرمودند: «اگر کسی بخواید باید بدانند که دشمنش خوابیده است.» و نیز ایشان در سخنی دیگر می‌فرمودند: «هر کس که به وقت یاری رهبرش در خواب باشد زیر لگد دشمنش بیدار می‌شود.»

حقیقاً این دو سخن عصاره‌ی همه‌ی آن علت‌هایی است که منجر به وقوع کربلا شد. بله، خواب بودن مردم و گوش ناسپردن به فرمان‌های رهبری مسلمین؛ همه علت کربلاست. و ارسای مثالی در تاریخ، صحت این سخن را روشن‌تر می‌کند.

جنگ صفین بود. مردم در عوض گوش سپردن به فرمان رهبری مسلمین و هوشیاری؛ نافرمانی و تعلل کردند؛ نافرمانی کردند و نتیجه آن از دست رفتن پیروزی‌ای بود که تنها ۴ ضربه‌ی شمشیر با آن فاصله بود؛ سپس هوشیار نبودند و به جای راهی کردن مذاکره‌کننده‌ای که حریف دشمن مکار باشد، ابوموسی‌ای را به سمت خیمه‌ی مذاکرات

محرم سال ۶۱ هجری قمری. واقعا عجیب است! چه کسی فکر می‌کرد امت رسول الله روزی فرزند رسول الله را بکشند؟ چه کسی انتظار داشت از انقلاب اسلامی‌ای که رسول الله در دوران جاهلیت آن را هدایت می‌کرد چیزی جز اسم باقی نماند؟ چه کسی حدس می‌زند که انقلابیون بر مدعای صدر اول، رهبر شایسته‌ی خود را به مسلخ ببرند؟ آری؛ بیش از نیم قرن از مصاحبت این مردم، با رسول الله نگذشته است که حسین رسول الله به قتلگاه می‌رود. محرم سال ۶۱ هجری قمری. واقعا عجیب است! شاید شایسته باشد برای پی بردن به آنچه که در کربلا گذشت، و اینکه چرا اتفاقی رخ داد که نباید رخ می‌داد؛ به بررسی ریشه‌های این واقعه در تاریخ پیش از محرم ۶۱ بپردازیم.

شاید شایسته‌تر این باشد که سخنان علی علیه‌السلام را در این باره مرور کنیم؛ چرا که علی همواره کربلا را پیش‌بینی می‌کرد. علی همواره

# ظهور کن آقا تا خدایی مان کنی

## دل نوشته‌ای بر آنچه در منبر هیات میثاق شنیدیم

خدا می‌شود، ذکرمان خدا، نگاه و کلاممان خدا، نشست و برخاستمان، دم و بازدممان خدا، مهر و محبتمان، و خشم غضبمان خدا؛ مهر و محبتی از جنس عشق به حسین علیه‌السلام و از برکت این عشق به خدا نزدیک و نزدیک و نزدیک تر می‌شویم...  
یا اَبَاعَبْدِ اللَّهِ اِنِّي اَتَقَرَّبُ اِلَى اللَّهِ... بِمَوْلَاتِكَ وَ بِالْبِرَائَةِ مِمَّنْ قَاتَلَكَ وَ نَصَبَ لَكَ الْحَرْبَ... آن قدر نزدیک تا جایی که همچون امامان معصومان همه وجودمان خدا می‌شود، چونان فانی در اسماء و صفاتش که از خود بی‌خود، همه وجودمان نه! همه خدا می‌شویم... همچون امام غریبی که نفس نفس ذکر بود و ذره ذره خدا، قطعه قطعه شهید شد و به شهادت طلبید، خداوند شاهد و مشهود را...  
فانی در ذات خدا ظلم نمی‌کند، عدالت را جاری می‌کند، به مؤمنین رئوف و رحیم و به دشمنان خدا غلیظ و شدید است؛ برای ظهورت دعا می‌کنیم تا عدالت و امنیت تنها یکی از هزاران برکات تقریبان به خدا و فانی شدنمان در ذات او باشد... ظهور کن تا به خدا نزدیک و در عظمتش فانی شویم، ظهور کن آقا تا که خدایی مان کنی...

راهبرد را... اَلَا يَا اَهْلَ الْعَالَمِ اِنَّ جَدِي الْحُسَيْنِ قَتَلُوهُ عَطَشًا؛ چه شکوهی دارد جهانی با مردمانی دین‌دار و حاکمانی خداترس، مردم که خداشناس باشند، در حق هم ستم نمی‌کنند، دروغ نمی‌گویند، مال یکدیگر را به ناحق نمی‌خورند، گران و کم نمی‌فروشند، اسراف نمی‌کنند و مال و جان و ناموسشان از هم در امان است؛ ظهور کن آقا! تو می‌آیی و مردم را خداشناس می‌کنی.  
حاکمان که خداجو باشند، ظلم نمی‌کنند و حق مظلوم را از ظالم، هرجای دنیا که باشد، می‌ستانند، دستشان به سوی بیت‌المال دراز نمی‌شود، رشوه نمی‌گیرند، تدبیر می‌کنند امنیت و رونق جامعه را و به عدل و احسان حکم می‌کنند؛ ظهور کن مولای ما! تو می‌آیی و حاکمانی خداجو بر امورات حکومت جهانی‌ات می‌گماری.  
همه دغدغه عبادت دارند، آری عبادت، انجام واجبات و ترک محرمات در سایه حکومت جهانی اسلام. تو می‌آیی و مسئله ما می‌شود خدا، احکام اسلام را زندگی می‌کنیم و تقرب می‌جوئیم، نزدیک و نزدیک و نزدیک تر می‌شویم، در هر کاری نیت مردم و حکومت رضای

امیر فقیهات، همانانکه در دلشان شکی به ذات خدا نیست و قلبشان چون پاره‌های آهن، محکم و استوار است، هدیه می‌کنی امتی اهل عقل و علم و معرفت را تا دیگر امیری، غریب دیار امتش نباشد و امتی، دل‌داده و دلگرم به تنها یار خراسانی‌ات نماند.  
تصور می‌کنم دارالاماره مهدی فاطمه (عج) را... سیصد و سیزده فرمانده، فقیهان مجاهد، مدیران مردانی زیرک و بصیر، گرداگرد امیر و مقتدایشان گوش به فرمان مولا که به لحن داوودی خطبه بخواند و امر خود را صادر نمایند تا ایشان در اقصی نقاط دنیا پراکنده شوند و تدبیر کنند امور جهان را، اما شاید سرآغاز کلام، رنگ و بویی دیگر داشته باشد...  
بسم الله الرحمن الرحيم، أَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ...  
شانه‌هایی که در برابر گردباد حوادث محکم و استوار است به ذکر امام مظلوممان حسین علیه‌السلام به لرزه در می‌آید و اشک از دیده‌های بصیرشان جاری می‌شود، امیر، خود روضه‌خوان جد غریبش می‌شود تا از یاد نبرند اولین روضه و اصلی‌ترین

سایهات بر سرمان مستدام آقا، می‌گویند می‌آیی و دست بر سرمان می‌گذاری، تا عقلمان جمع و اخلاقمان را کامل کنی؛ آخر باید هدف خلقت محقق شود، جن و انس میان این همه خدای دروغین، تنها خداوند عزّ و جل را عبادت کنند اما چگونه پرستش کنند خدایی را که نمی‌شناسند؟! می‌آیی و دست بر سرمان می‌کشی و خورشید عقل، دل‌مان را به نور معرفت روشن می‌کند و در پرتو این نور، به نظاره می‌نشینیم شکوه و عظمت خداوند قادر و مقتدر، رئوف و رحیم را، و بار دیگر به مصداق فرموده مولا و اربابمان که «فَاِذَا عَرَفُوهُ عَبْدُوهُ» بی‌نیاز از خدایان ریز و درشت به سجده می‌افتیم خدایی را که به تصرف تو می‌شناسیم و چه بسیارند مسلمانانی که آن زمان، هنگامه ایمان‌شان است.  
أمت، امام می‌خواهد «أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا، يَفْتَدِي بِهِ، وَيَسْتَصِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ» و گرچه أمت مؤمن، امام شایسته خود می‌طلبد اما پیش از همه و بیش از آن، امام اهل یقین تشنه أمت اهل ایمان است؛ یلدای غیبت که بگذرد، سرمای غربت هم فرو می‌نشیند و آتشفشان شیعیان تنوری‌ات از دل زمین فوران می‌کند و تو به یمن حضور سیصد و سیزده

السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ...

نظرات و پیشنهادات خود را در رابطه با ویژه نامه «فتح» در ایام محرم، به شماره ۰۹۱۰۴۹۷۰۶۲۵ پیامک کنید

روزنگار هیئت میثاق با شهدا؛ فتح

ماهنامه فرهنگی-سیاسی حیات | بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه السلام

مدیرمسئول: سیدمحمدحسین هاشمی گلپایگانی / جانشین مدیرمسئول: علی سلیمانی

سردبیر: محسن ذوالفقاری / روابط عمومی: مهدی مقدسی

تحریریه: علی عبدالاحد، علی تقی‌نژاد، حامد صابر، محمدحسن فیضی پور، محمد اصغری، مصطفی رهنما محمد مهدی قاری، محمد مهدی مستوفی، سیدیحیی هاشمی، سیدعلی شاه‌صاحبی و سید محمدرضا فیاضی / طرح: گروه طراحی خادم الشهداء / عکاس: نویدرضا کیوانی

basijisu.ir

پایگاه اطلاع رسانی بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه السلام

misaq.info

پایگاه اطلاع رسانی هیئت میثاق با شهدا

hayat.basijisu.ir

تارهای ماهنامه حیات

Fath@basijisu.ir

رایانامه فتح

telegram.me/basijisu\_ir (شماره تلفن ۰۹۱۹۹۸۰۱۰۲۰)

جلسات هفتگی

یکشنبه ۱۰ آبان (۱۸ محرم)

یکشنبه ۱۷ آبان (۲۵ محرم)

یکشنبه ۲۴ آبان (۳ صفر)

یکشنبه ۱ آذر (۱۰ صفر)



حجت الاسلام والمسلمین

میرباقری

جلسات هفتگی

هیات

میثاق با شهدا

میزبان شما از

عاشورا تا اربعین